

خطابهٔ جناب آقای تقی زاده نهایندهٔ محترم مجلس شورای اسلامی در دانشگاه ادبیات تبریز

چون محفل امروزی مجمع سالکین طریق عام و معرفت و ادب است
شاید مناسب باشد که چند کلمه در باب خود معارف صحبت شود و چون
جمیع برای بندۀ بغیر استحقاق معرفت و بصیرتی در امور عامه قائل و شاید
بنجربه یک عمر من در امور مملکتی اعتقادی دارند ممکن است انتظار
آن برود که در خصوص طریقه اصلاح و تکمیل وسائل معارف نیز چند
کلمه بگویم . بنابراین قسمتی از عرایض من که با احتراز از اطباب خواهد
بود و با اختصار اکتفا می‌رود مربوط «بام و ادب و معارف» است که در آن
باب نتایج تجارت علمی خود را که از ۶۳ سال باین طرف متراکم شده و
تجارت سیاسی که پنجاه سال پیشتر دوام داشته بطور خلاصه می‌خواهم
ییان کنم :

لکن قبل از ورود در آن مبحث می‌خواهم یکی دو اساس عده و
اصلی که مقدمهٔ شر و تعییم و تکمیل معارف و هر اصلاح مطلوب دیگری
در هر رشته از امور عامه است اشاره کنم که شرط اساسی و بلکه
اس اساس کامیابی هستند . مهمترین همه کارها علی الاطلاق امروزه که
مقدمهٔ هر امر دیگری است اصلاحات اقتصادی و عمرانی و پادار کردن
مردم و سیر کردن شکم‌های گرسنه یا نیم گرسنه و احداث شغل و کار
برای یکاران و تولید نرود عمومی و وسیع نه افرادی است که بدون
ترقی و اصلاح در این رشته همه کارهای دیگر از هر قبیل لنگ است
و بقول معروف بی‌مایه فطیر است که شکم گرسنه ایمان هم ندارد تاچه
رسد بادیات و سیاست و حتی شب چو عقد نماز می‌بندد دو فکر آنست که
چه خورد بامداد فرزندش و اگر کسی غیراز این خیال کند معلوم است
که سیر است و سیر از گرسنه خبر ندارد چنانکه همان حکیم در باره

خطابه جناب آقای تقی زاده

شماره ۳

صاحب خانه گرسنه و میزبان سیر گفت :

همه شب نبودش قرار و هجوع ذ تسبیح و تهلیل و ما را زجوع
پس سد جوع اولین قدم زندگی فردی و اجتماعی است . از روزی که
بغای آذربایجان قدم گذاشتم فقر عمومی و بریشانی واستیصال و بی رونقی
تجارت و کساد بازار و یکاری کارگران زحمتکش و بدبوختی اهالی و
مفلوکی مردم کم مایه یا یکار و مضطر بودن بسیاری از آنها محرومیت
رعایا و بروزگران و روستائیان از هر نوع وسائل زندگی انسانی و جنی
گاهی حیوانی نظر مرا جلب و مرا متأثر نمود . با این اوضاع فکر
معارف و علم در حکم خریدن لوحه نقاشی گرانها برای خانه بی زغال
در زمستان میشود .

نخست باید همه فکرها معطوف شروتنند کردن مردم و نان رساندن
 بشکم‌های گرسنه بوده نود در صد قوا واوقات و همت و غیرت در بهبود
این خلل متوجه شود که بی‌پول نه مدرسه میتوان بنا کرد نه معلم اجیر
نمود نه شاگرد جمیع آورده‌روز در حکم آباد در باغات سبزی کاری پسری
با هوش و سالم و پاکیزه ولی با برخene بسن قریب ۱۲ سال دیدم که مارا
بیاغان رهنمائی کرد پرسیدم بمدرسه میروی گفت نه گفتم چرا نمیروی این
کار خیلی واجب است متأثر شد و گفت خیلی میل دارم و میدانم و میخواهم
ولی قادر نیستم گفتم چرا مگر در مکتب چقدر اجرت میخواهند گفت
صحبت ماهانه نیست ، شکم نان میخواهد ، دلم بآن طفل بسیار سوخت
که اینقدر باهوش بود که حتی صحبت فارسی را هم کم و بیش ملتافت میشد
مقصود چیست و با بلی یا نه جواب میداد اگرچه سطیری نخوانده بود
هزاران اطفال از اولاد این خاک در این دارالسلطنه که پایتخت دوم ایران است
و بیلان و سرگردان هستند که نه اینکه مثل ایام قدیم درس خواندن را
گناه بدانند بلکه بسویار هم مایلند ولی وسیله زندگی ندارند و به پدران

و مادران خود برای کسب معاش از شش و هفت سالگی کمک می‌کنند. اصلاح کار اقتصادی این ولایت با توسعه صنایع ماشینی و غیرماشینی و ایجاد آب زیاد و سد بندی و ترویج طریقه‌های جدید مدنی زراعت و آبیاری و اصلاح اجتماعی حال بروزگران و برپا کردن کارخانجات وغیره میسر خواهد شد و برای حصول آن مقصود نیز بکار اندختن سرمایه‌های بزرگ و کوچک فردی و جمعی لازمست و عطف همت باستکار فردی و اقدامات ملی (نه توجه انحصاری بکمک دولت) و جای تاسف است که سرمایه‌داران آذربایجانی مهاجر بولایت خود بر نگشته ایجاد کار برای مردم بیکار و منفعت عمده برای خودشان نمی‌کنند و عندرشان بیشتر بر حسب ظاهر و لفظ اندیشه نا امنی است یعنی نبودن امنیت و اطمینان از دوام و ثبات و استقرار وضع مملکت ولی این عذر هم اگرچه باقتضای طبیعت بشری است و ظاهراً معقول و شاید موجه بنظر آید کاملاً مقبول نیست و باید بیش از این بزاد و بوم خود دلسوی و توجه نمایند.

پس از امور اقتصادی باید درجه دوم را بامور صحی داد یعنی بعد از شکم سیر بدن سالم و چشم بی‌تراخم لازمست و برای این کار که اهمیت آن محتاج بشرح نیست باز علاوه بر اقدامات دولتی تبرعات فردی و خیریه بعیزان کلی و فراوان ضرور است که باید هر صاحب حسی و هر صاحب ایمانی قسمتی از مال خود را بامور خیر و مداوای مرضی و جلوگیری از امراض و نشر معرفت لازم برای آن صرف نماید. بارها گفته‌ام که پیشینیان ما و حتی سابقاً در اوان جوانی و طفولیت ما مردم متبدین و باقی‌قیانی از مال خود مقدار کلی بعنوان زکوة و خمس و مال امام و تبرعات خیریه دانه مبلغی کلی دیگر صرف حج و زیارت مشاهد مشرفه نموده قسمتی از دارائی خود را وقف مساجد یا آستانه رضوی یا مشاهد دیگر کرده نیز مال خود را وصیت می‌کرددند که بعداز وفاتشان صرف امور خیر بشود.

خطابه جناب آقای تقدیم زاده

شماره ۳

در زندگی هم علاوه بر واجبات مستحبات زیادی از قبیل اعانت بر فقرزا دستگیری از علماء و زهاد و فقر و دراویش وسائلها بنای مساجد و آب انبار عمومی و بلهای بجا می‌آوردن و البته مبالغ کلی هم صرف عزاداری و روضه خوانی و احسان و آش اربعین و حلوای رغایب و خیرات و اطعام مساکین (و اغلب غیر مساکین هم) میشود. حالا میبینیم که آن حس دینی قدیم تا حدی خوایده و حسن دیگری هم بجای او برای امور خیریه جدید از بنای مدارس و مزیضخانه‌ها و دادن دوای مجانی و دارالایتام وغیره معادل عشر آن حس قدیم بیدار نشده است.

پس از صحت عمومی در مدارج اهمیت تعلیم عمومی را باید شمرد لکن میخواهم عرض کنم که از یک لحاظ معارف عمومی همدوش صحت عمومی میرود و بلکه عامل صحت است. سالیان دراز است که این عقیده را داشته و تکرار کرده‌ام که بنظر بندۀ دو رشته علمی باید پیش از حد معمول در مدارس ابتدائی تعلیم شود و حتی اگر مبالغه نشود میخواهم عرض کنم که باید این دو علم بطور غیر مناسب با مدارس ابتدائی بدرجات عالی تری که شاید از سهم مدارس متوسطه هم بیشتر باشد با طفال خرد سال از پسر و دختر یاد داده شود یعنی اگر از حساب و جغرافی و تاریخ و علم الایشیاء در مدارس ابتدائی یک من بشانگرد داده شود از آن دو علم یکخراوار با آنها عرضه شود و آن دو علم عبارت است از علم حفظ المصحف و مبادی علم طب و علم منطق، البته اگر ما هنّه از عالی و عارف قدری بهره از علم منطق داشتیم زودتر با تفاوت آراء میرسیدیم و مطلب را زود حالی میشدم و در بیانات خود راههای دور و درازنمی پیمودیم و مخصوصا از مغالطه و جدل پرهیز نموده بصراط مستقیم برهان و قیاس می‌افتادیم و این فقره در میزان محاکمه عقلی ما در امور سیاسی بسیار مفید و مؤثر بیشتر و در این مقوله میتوان شرح پیشتری داد و دلائل وافی ذکر کرد.

ولی چون در اینجا متصود بالذات نیست از آن میگذردم و سخنی چند از فواید تعلیم صحي و طبی که حتی تاحدی عالی و خارج از تناسب با مدرسه ابتدائی باشد عرض میکنم. اگر در همه مدارس ابتدائی و حتی کودکستانها سعی بهیست بعمل آید که همه اطفال بدون لسته نامه و بالنتیجه همه افراد ملت (در صورتی که همه تعلیم ابتدائی اجباری بهیستند انشاء الله) بیکروپ معتقد شونده همانطور که ما و همه افراد ملل متمدن از صغیر و کبیر و اناث و ذکور و روستائی و شهری معتقد هستیم و هستند و فواید و مضار و خطرات مینکروها و نسایت امراض بوسیله آنها و منشاء مینکروها و محل نوشان و درجه اوضاعی زندگی ملتفه و بچه وسیله تلف میشوند خوب بدانند و همانطور که امروز بقوه خلل ناپذیر آب کر و جاری در تطهیر معتقدند بهمان اندازه هم به باکتری ها و حیوانات خیلی خیلی ریزو نامرئی که همه جا هستند ایمان بیاورند و نگویند که آنچه را که می تینیم مثل موچه و مکس وجود دارد و آنچه را که چشم ما نمی بینیم مانند حکم کوری در روشناهی و بینائی در تاریکی که گمان میگند که اگر خاک زمین را بشدت جاروب کرده بهوا بدهد عیوب ندارد زیرا که بعقیده او گردی در ظلمت وجود ندارد ولی اگر آفتاب می تایید گرد متصاعد را میدید و این کار را نمیگرد اگر این اعتقاد و معرفت در میان تمام افراد ملت مانند ملل فرنگ عمومی شود شکی نیست که از این راه دو ثلث یا صدی هفتاد امراض جلوگیری میشود و همچنین با اعتقاد بفایده قطعی آبله کوبی و تلقیح مایه امراض دیگر اکثر مردم از آبله و خناق یعنی (دیفتری) و حصبه و وباء وغیره مصون میمانند بر عکس حالا که ظاهرآ صدی هشتاد اطفال متولد در اوایل عمر می میرند و با آنکه اغلب خانواده های ایران بیش از پنج شش و گاهی ده و دوازده اولاد دارند و کمی از آنها بزرگ میشود و نفوس فرنگی ها باداشتن یکی دو اولاد میلیونها تراوید میگیرد نفوس ایران در اندک زمانی

خطابه جناب آقای تقدیم زاده

شماره ۳

مضاعف میشود.

پس از ذکر این جمله معتبرضه حالا میگذرم به اهمیت عظیم انتشار معارف که رکن سوم سعادت ملت است از وقیکه وارد آذربایجان شده‌ام آنچه شنیده‌ام غالب شکایت مردم از وضع اقتصادی و نقصان وسائل صحی و تکنیکی ڈایرکت معارف است و همچنین فساد اخلاق متولیان امور عامه نسبت بدو موضوع اولی چند کلمه عرضه کردم و در باب معارف میخواهم عرض کنم که در زمینه معارف نیز نهضت عظیمی داریم نه تنها در کمیت و بلکه در کیفیت هم. البته در صورت امکان تخصیصات معارف آذربایجان از طرف دولت (که بودجه خوانده میشود) باید آنچه مقدور است بیشتر شود و شاید کمتر از آن است که استحقاق دارد لکن قسمت بزرگی هم از این تخصیه ناشی از قصور یا تقصیر و غفلت از حسن استعمال مایه موجود است. افراد در عده مستخدمین اداری پشت میز نشین و کمکاری بعضی از معلمین که بنا بر آنچه در طهران دیده میشود بعضی‌ها وقت کمی برای تعلیم صرف میکنند و مخارج گوناگون کم اهمیت و صرف وجهه زیاد و غیر مناسب به بنایی عمارت باشکوه و تخصیص مبالغی از بودجه به تعلیمات عالیتر یعنی مدارس متوسطه و عالی که به تناسب آن وجهه مخصوص مدارس ابتدائی کمتر میشود و اشکالات طرز تعلیم سنتگین و بر شاخه و شاید بعضی رشته‌های علمی کم لزوم بضرر و سعت انتشار اجباری عمومی مجانی کار میکند آنچه مقدور است باعی درجه حدود تعلیمات اجباری عالیتر یعنی مدارس ابتدائی و بناهای آن و تعلیمات آن و طرز تعلیم را امکان باید مدارس ابتدائی و بناهای آن و تعلیمات آن و طرز تعلیم را خیلی شاده کرد که اولاد ملت ایران از ذکور و اناث سواد پیدا کنند و نوشتن و خواندن باد بگیرند و تا اندازه‌ای هم شاید جغرافی و تاریخ ایران بیشتر و تاریخ عالم کمتر و مخصوصاً فارسی و عربی در مدارس شهری فرا گیرند و هر قدر ممکنست صحت املاء و اصطلاحات و الفاظ کتابی

خطابه جناب آقای نجفیزاده

شماره ۴

را بیاموزند و بس . البته در بنای مدارس هر چه ساده‌تر باشد بهتر است اما باکیزه و نظیف و صحی و هوادار باید باشد و برای بازی میدانی باید داشته باشد مدارس متوسطه کلا و قسمت عمده رشته‌های مدارس عالی باید با اجرتی که اولیای اطفال می‌دهند اداره شود نه با پول خزانه مملکت و ظاهرا ایران در روی زمین تنها مملکتی است که مدارس متوسطه هم مجانی است یا قسمت کمی از مخارج آن با ماهانه محدود اطفال می‌گردد در این کار هر کمک خارجی باید از اهل خیر و تبرع بیاید نه از دولت در مدارس ابتدائی شهری قسمتی عمده باید شعبه صنعتی و حرفی داشته باشد و در مدارس دهات کمی از طرز زراعت و نگاهداری حیوانات بطریق علمی را داده شود عرض کردم صرف پول عمده برای بنای عالی مدارس در مملکت فقیر و میان مردم با برهمه بضرر و سعت دائره و انتشار کامل خود تعلیم ابتدائی است زانیها که فقیر بودند و تیکه خواستند در مملکت خود خطوط زیاد راه آهن بنا کنند ملاحظه کردند که بنای ایستگاه‌های مجلل و عمارت‌بزرگ یا طالارهای انتظار و محل خوراک وغیره قسمت هنگفتی را از بودجه راه آهن می‌خورد و بنابرین مسمم شدند از بنای ایستگاه صرف نظر کنند و بجز یک آلاچیق سایه‌بان برای توقف و اندکی غذا ایستگاهی درست نکنند و همه پول را صرف امتداد خطوط راه بکنند و بدین طریق در اندک زمانی تمام مملکت با خاوه راه آهن بهم وصل شد . یکی از مواد مهم و بسیار واجبی برای تعلم در مدارس نیز که از آن خیلی غفلت می‌شود تاریخ اسلام است که باید در مدارس ابتدائی تا حدی و در مدارس متوسطه خیلی بیشتر و کاملتر تعلیم شود و همچنین زبان عربی یعنی اصول آن و صرف عربی نه نحو یا متون عربی صرف عربی برای تسلط در زبان فارسی ضروری اولی است و خوشبختانه برخلاف تو هم بی اساس بعضی فرنگی مآبهای ما بادگرفتن صرف عربی

خطابه جناب آقای تقی زاده

شماره ۳

از صیغ اسمی مجرد و مزیدفیه و ابواب مزیدفیه و صفت مشبهه و صیغ مبالغه و صیغ جمع مکسر و اوزان مصدو بسیار سهل است و بنده مدعی آن هستم که در دو الی چهار هفته میتوان آنها را کاملاً یاد داد بطوریکه پس از یاد گرفتن کلمه مجرد علم شاگرد فوراً لغات عالم و معلوم و علامه و علیم و معلم و تعلیم و تعلم و معلم و متعلم و استعلام و علماء و علوم و علمی اعلم و غیره را خود بخود بداند. در مدارس متوسطه سهم زبان عربی خیلی خیلی بیشتر از آنچه هست باید باشد زیرا که مایه اصلی و بزرگ زبان فارسی فعلی عربی است و هر صاحب سعادت باید کتب معتبر و مفید فارسی ادبی و تاریخی و بقول فرنگیها کتب کلاسیک ما را بتوانند بسیار بخوانند مانند چهارمقاله نظامی عروضی و مرزبان نامه و تاریخ مسعودی یعقوب و سیاست نامه نظم الملک و قابوس نامه و فارس نامه ابن‌البهتانی و جهانگشای جوینی و گلستان و بوستان و طیبات سعدی و غزلیات حافظ و حتی کلیله و دمنه بهرامشاهی و قصاید عنصری و فرخی و منوجهری و انوری و معزی و البته شاهنامه فردوسی را هم. هوش‌جدیدی که بشکل بیرون کردن الفاظ فارسی عربی‌الاصل از زبان فصیح سخنواران نامی ایران یعنی فارسی دری پیدا شده اختصار کلمات عجیبی منافی ذوق و علیم بعای آنها یکی از آفات عظیمه تاریخ است که برای ریشه کن کردن زبان ملی مارخ آورده بطوریکه استیلای مغول باستان چنان صدمه‌ای به بینان زبان ما نزد

یکی از خیالات بسیار عجیبی که از چندی باین طرف در میان قسمتی از جوانان کم سعادت و بی‌مایه و هوسنای فرنگی مآب ما ظهور کرده و ظاهراً علتی جز تبلی جسمانی و ووحانی و تقلید جاهلانه ندارد آنست که زبانهای فرنگی را در مدارس متوسطه و عالی یاد می‌گیرند و زبان خود را اهمال می‌کنند باین عذر که فارسی مشکل است و خط فارسی صعوبت

خطابه جناب آفای تقی زاده

شماره ۳

دارد و مدعی هستند که درین عصر تمدن مردم وقت کافی ندارند که علوم فرنگی را اراده‌گیرند و هم‌زبان فارسی کامل و مقداری عربی لازم برای آن و املای کلمات را حتی دلشان میخواهد برای خاطر صرفه وقت کافی برای این آقایان جهت بازی «هوکر» و گچه ضاد و ظاء و زاء و ذال یک شکل و ناء و سین و صاد هم یک شکل نوشته شود و ابدآ توجهی باین نکته ندارند که در میان ملل فرنگستان یک نفر هم مهندس یا طبیب یا شیمی‌دان یا منجم یا ریاضی یا عالم معرفة الارض نمی‌توان پیدا کرد که زبان خودرا بروجه اکمل و اتم با ادبیات آن مثل یک ادبی نداند و یک نظر دهاتی هم پیدا نمی‌شود که قسمت‌ای اول عمر خودرا صرف تکمیل معرفت زبان خود نکرده باشد در صورتی که زبانهای فرانسوی و انگلیسی هم در امّه مشکلتر از زبان فارسی است و حتی در انگلیسی املای هر کلمه را جداگانه باید یاد گرفت یاد دارم در اولین بار که بانگلستان رفتم شنیدم که می‌گفتند اگر یک انگلیسی اسم خودتانرا بگوئید میپرسد چگونه می‌نویسید و اگر کارت ویزیت خودتانرا نشان بدھید میپرسد چطور تلفظ می‌کنی، یعنی در واقع میان لفظ و کتابت ارتباط زیادی نیست . در ژاپون خط مشکل‌تر از خط عربی است و ظاهرا با بیست و پنجهزار شکل نوشته می‌شود وی در کمتر از ۵ سال همه اهالی ژاپون باساده شدند و خواندن و نوشتن بلدند . پس باید با اسمی در پرمایه کردن و تکمیل کیفیت تعلیم مقدمات و شرایط را ساده‌تر نمود بروزت و کمیت تعلیم ابتدائی افزود .

مبحث خیلی مهم دیگر در این زمینه اخلاق است که باید بهر نحو است فکری برای تهذیب اخلاق متعلمن بالنتیجه اخلاق ملت کسرد و منصوصا باید تشویق جوانان به فرزندگی، بمعنی معمول بین ما یعنی باصطلاح عوامانه «حقه بودن»، موقوف شود و افراد در توجه بعادیات و منفعت پرسنی احتراز

شود روح فداکاری و حمیت و جوانمردی و فضائل اخلاق و راستگوئی
باعلی درجه تشویق شود

من در این مقوله‌ها سخن زیاد دارم و دامنه‌اش دراز تواند کشید و منبوی هفتمان
من کاغذ می‌شود لکن می‌ترسم هم وقت خطابه و هم حوصله خانم‌ها و
آقایان تمام شده باشد و باید سخن را با تشکر خالصانه از بردبازی حضار

محترم ختم نمایم

